

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و دوم

تابستان ۱۳۹۹

تأثیر ناامنی بر روند حج گزاری خراسانیان از ابتدای قرن سوم تا میانه قرن پنجم هجری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۳/۳۱

محمد رضائی^۱

در پی گسترش اسلام در ایران و توجه به حج به عنوان یکی از مهم‌ترین آیین‌های دینی، اعزام کاروان‌های متعددی از سرزمین‌های شرق خلافت با عنوان ركب الخراسان به حرمین شریفین رواج یافت. این سفر دینی که در مسیری طولانی صورت می‌گرفت، گاه به دلیل مشکلات و خطرات مسیر متوقف می‌ماند. پس از افول دستگاه خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق.) و تجزیه سرزمین‌های زیر سلطه ایشان و افزایش درگیری‌های داخلی و خارجی سلسله‌های ایرانی بر سر تصاحب تاج و تخت و توسعه قلمرو، دوره‌ای طولانی از ناامنی‌های مقطعی در مسیرهای منتهی به عراق و حجاز ایجاد شد که در نتیجه آن، نه تنها امکان فعالیت‌های عمرانی و خدمات بهتر برای قافله‌ها میسر نگردید، بلکه با افزایش درگیری‌های فرقه‌ای، ظهور گروه‌های تندرو و رواج راهزنی قبایل عرب، قافله‌های حج در برخی دوره‌ها از سفر بازماندند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتاب‌خانه‌ای در پی مطالعه

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان:
(mrezayi139@yahoo.com).

تأثیر ناامنی به‌عنوان متغیری مستقل بر روند حج‌گزاری خراسانیان در ابتدای قرن سوم تا میانه قرن پنجم هجری است.

کلیدواژگان: حج، مسیر حج، خراسان، حجاز، ناامنی.

۱. مقدمه

زمان دقیق شروع اعزام قافله‌های حج از شرق دنیای اسلام به ویژه، خراسان بزرگ روشن نیست ولی به احتمال زیاد با جریان اسلام‌پذیری گسترده ایرانیان به ویژه اهالی خراسان بی‌ارتباط نبوده است. در لابه‌لای منابع می‌توان اشاراتی درباره حضور مسلمانان مناطق شرق خلافت در حج یافت.^۱ حجاج ایرانی را بیشتر با عنوان ركب الخراسان یا اهل خراسان^۲ می‌شناختند که در بغداد به حجاج عراقی می‌پیوستند. این عنوان نشان‌دهنده همه مناطقی نیست که ایرانیان از آن‌جا در کاروان حج حضور داشتند ولی در منابع دوره مورد بررسی و منابع ادوار بعد وجود دارد. حضور کاروان خراسان در حج از چنان اهمیتی برخوردار بود که تأخیر ایشان در برخی سال‌ها موجبات توقف و حتی تعطیلی قافله عراق را فراهم می‌آورد.^۳

از سوی دیگر حکومت‌های محلی، مناطق شرقی را که روزگاری تحت نفوذ دستگاه خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق.) بودند از سلطه مستقیم ایشان خارج کردند در نتیجه، هر بخش از این مناطق، زیر سلطه یکی از خاندان‌های حاکم درآمد. حجاج سرزمین‌های

۱. تنوخی از تاجری خراسانی به نام ابوالقاسم منجم یاد می‌نماید که هر سال در مراسم حج حضور می‌یافت (تنوخی، فرج بعد از شدت، ص ۵۲۱)؛ عده‌ای نیز جان خود را در این راه از دست داده‌اند، ولی تنها اسامی تعداد انگشت‌شماری از آنها در منابع ثبت شده است (برای نمونه، ر.ک: السمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۹۴ و ج ۳، ص ۳۲۴، ۳۸۱؛ السلمی، طبقات الصوفیه، ص ۴۰۱).

۲. شریف الرضی، دیوان الشریف الرضی، ج ۲، ص ۳۶.

۳. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۱۳۴.

شرقی خلافت به‌ویژه ماوراءالنهر و خراسان، بخشی از مسیر را در مناطق زیر سلطه سایر حاکمان و بخشی را در عراق و قلمرو عباسیان می‌پیمودند. ناامنی در اشکال مختلف مانند دشمنی حاکمان، درگیری نظامی، شورش‌ها، آشوب‌های داخلی، رواج راهزنی و مؤلفه‌های وابسته به آن، هم‌چون تخریب تأسیسات بین‌راهی سبب ایجاد مشکلات فراوان و گاه توقف حج می‌شد.

پیرامون حج و حج‌گزاری ایرانیان در دو دهه اخیر، پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است. در کتاب *حج‌گزاری ایرانیان*^۱ توجه عمده به تحولات دوره پس از صفویه است ولی به‌صورت گذرا، اشاراتی به مسیرهای حج، حملات قرامطه و مسائل سیاسی به عمل آمده است. پراکندگی مطالب، عدم انسجام و استفاده از منابع پژوهشی با وجود منابع دست‌اول از ضعف‌های این کتاب به شمار می‌رود.

مقاله ارزشمند *مسئله راه حج در مناسبات حکومت‌های شرق و غرب ایران (از غزنویان تا صفویه)*^۲ به سوء استفاده حکومت‌ها از مشکلات و توقف حج به‌عنوان حربه‌ای جهت فشار به رقبای سیاسی و توسعه سرزمینی پرداخته است و تداوم این ادعا در ادوار بعدی در این مقاله بررسی شده است.

در خصوص آیین و روش برگزاری مراسم حج در قرون اولیه، پایان‌نامه *مراسم حج در دوره اول عباسیان*^۳ نوشته شده است و درباره مسیرهای مورد استفاده حجاج در سده‌های اولیه، مقاله *مسیرهای آسیایی حج جلوه‌های تاریخی و جغرافیایی*^۴، راه‌های مورد استفاده

۱. دوغان، تاریخ حج‌گزاری ایرانیان.

۲. صادقی، «مسئله راه حج در مناسبات حکومت‌های شرق و غرب ایران (از غزنویان تا صفویه)»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ش ۷، ص ۱۰۳-۱۲۹.

۳. موحدی نیا، مراسم حج در دوره اول عباسیان.

۴. احمدی قورتلومش، «مسیرهای آسیایی حج جلوه‌های تاریخی و جغرافیایی»، فصلنامه میقات حج، ش ۹۴، ص ۶۷-۹۷.

در ادوار مختلف را بررسی کرده است و اشاراتی به مسیرهای مورد استفاده در سده چهارم و پنجم دارد.

هم‌چنین، مقاله *امرای سادات حج در دوره بویهیان*^۱ به انتخاب سادات به‌عنوان امیرالحاج پرداخته است و اشاره‌گذاری به وقایع زمان سرپرستی هرکدام از ایشان دارد. مسئله حج در دوره زمانی برآمدن سلاجقه تا دوره معاصر، بخش مهمی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. به‌ویژه، مقاله *موانع و مشکلات سفر حج ایرانیان در روزگار سلجوقی*^۲ در موضوع شبیه پژوهش حاضر است ولی تکیه آن بر دوره سلاجقه است.

قسمت عمده پژوهش‌های این حوزه در دوره صفویه، قاجار و معاصر تمرکز یافته است که تعداد زیادی سفرنامه و اسناد آرشیوی در ارتباط با آنها وجود دارد. با وجود اهمیت این پژوهش‌ها و اشاراتی که درباره مشکلات سفر حج به‌عمل‌آمد به رقابت حاکمان و مؤلفه‌های متأثر از آن در قالب ناامنی در روند حج‌گزاری خراسانیان در فاصله زمانی قرن سوم تا میانه قرن پنجم توجهی جدی نشده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از اطلاعات منابع مختلف تلاش می‌کند، تأثیر ناامنی متأثر از رقابت حاکمان و اختلافات فرقه‌ای را به‌عنوان متغیری ثابت بر حج‌گزاری خراسانیان در فاصله زمانی بین قرن سوم تا میانه قرن پنجم بررسی کند و پاسخی برای پرسش ناامنی متأثر از مناقشات ارباب قدرت و اختلافات فرقه‌ای به چه میزان بر روند حج‌گزاری ساکنان شرق ایران به‌ویژه خراسان بزرگ تأثیر نهاده است؟ بیابد.

۱. موسوی مقدم و دیگران، «امرای سادات حج در دوره بویهیان»، پژوهشنامه حج و زیارت، ش ۴، ص ۱۰۷-۱۳۵.

۲. غفرانی و دیگران، «موانع و مشکلات سفر حج ایرانیان در روزگار سلجوقی»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۲۲، ص ۱۱۷-۱۳۴.

به نظر می‌رسد ناامنی و مؤلفه‌های متأثر از آن در قالب رقابت سیاسی امیران و خلفاء، ظهور گروه‌های تندرو فرقه‌گرا، جنگ‌ها و پی‌آمدهای آن، راهزنی، عدم توجه به تأسیسات بین‌راهی به اشکال مختلف سبب ایجاد مشکل در روند حج‌گزاری شده‌اند و گاه موجب توقف آن گردیده‌اند.

۲. تأثیر رقابت‌های سیاسی بر ناامنی مسیر حج خراسانیان

۱-۲. رقابت صفاریان، سامانیان و دستگاه خلافت

اولین بار طاهریان (۲۰۵-۲۵۹ ه.ق.) مناصبی مانند عمل الحرمین را که رابطه مستقیمی با امنیت مکه در زمان برگزاری مناسک داشته است، عهده‌دار شدند.^۱ از سوی دیگر، خلفای عباسی از موسم حج به ویژه حضور حجاج خراسانی در میعادگاه حج بغداد برای پیش‌برد اهداف سیاسی خود سود می‌بردند.^۲ در سال ۲۷۱ ه.ق. معتمد (۲۵۶-۲۷۹ ه.ق.) در جمع حج‌گزاران خراسان، عمرو بن لیث (۲۶۵-۲۸۷ ه.ق.) را از قدرت معزول نمود و او را لعن کرد.^۳

روابط سامانیان (۲۷۹-۳۸۹ ه.ق.) و دستگاه خلافت دارای فراز و نشیب بود و گاه در رابطه با سامانیان، سیاست دو پهلوی عباسیان را شاهدیم. چنان‌که در سال ۲۸۵ ه.ق. خلیفه در حضور حجاج خراسانی، امیر اسماعیل سامانی (۲۷۹-۲۹۵ ه.ق.) را از امارت ماوراءالنهر عزل نمود و قلمرو وی را به عمرو لیث واگذار کرد.^۴ همچنین در جریان فرار یحیی بن احمد در سال ۳۱۰ ه.ق. به بغداد، روابط دو طرف به تیرگی گرایید.^۵ بر این

۱. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۱، ص ۳۴۱.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۲۱۷.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۶۲۷.

۴. همان، ص ۶۶۲۷، ۶۶۹۲.

۵. گردیزی، زین الاخبار، ص ۳۳۶.

اساس می‌توان حضور حجاج خراسانی در بغداد را فرصتی تبلیغی در دست خلافت جهت فشار بر حاکمان و پیش برد اهداف سیاسی به شمار آورد.

از سوی دیگر، چنان‌که اشاره شد اختلافات عمرو لیث با امیر اسماعیل و سامانیان با خاندان‌های محلی، مانند سیمجوریان و چغانیان^۱ بر امنیت خراسان، اثری منفی داشته است. ابوعلی سیمجور (د. ۳۸۷ ه.ق.) و ابوعلی چغانی (د. ۳۴۴ ه.ق.) با افزایش قدرت خود بر سامانیان شوریدند و در برخی دوره‌ها به آل‌بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه.ق.) نزدیک شدند.^۲ هم‌چنین، درگیری عناصر ترک برای کسب قدرت در قلمرو سامانیان (۲۶۱-۳۹۵ ه.ق.)، حملات آل‌افراسیاب (۳۲۰-۵۶۰ ه.ق.)^۳ و استیلای محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱ ه.ق.) بر خراسان، نشان از ضعف سامانیان و تداوم ناامنی دارد.^۴

غیر از موارد بالا، رقابت سامانیان و آل‌بویه در دوره‌هایی از تاریخ به آشفتگی مسیر حج انجامید. درگیری امیر نوح سامانی (۳۳۱-۳۴۳ ه.ق.) و رکن‌الدوله دیلمی (د. ۳۳۶ ه.ق.) بر سر جبال و شهر مهم ری، سبب ناامنی در مسیر شرق به غرب شد.^۵ همه این حوادث می‌توانستند مشکلاتی را برای قافله‌ها به‌ویژه محمل خراسانیان ایجاد کنند.

۲-۲. رقابت غزنویان با آل‌بویه

با تصرف سیستان، قلمرو سلطان محمود غزنوی و آل‌بویه که کرمان را در تصرف داشتند به هم متصل شد. با این وجود به غیر از اواخر دوره آل‌بویه، روابط دو طرف چندان خصمانه نبود و با وجود اختلافات مذهبی، درگیری نظامی گزارش نشده است^۶ ولی

۱. نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۳۲۷-۳۳۰.

۲. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۱۹۶-۱۹۸؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۲۱۴.

۳. آل‌افراسیاب یا ایلک خانیان، سلسله‌ای از ترکان مسلمان در ترکستان و ماوراءالنهر.

۴. جرفادقانی، تاریخ یمینی، ص ۱۸۰؛ نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۳۳۸.

۵. گردیزی، زین الاخبار، ص ۳۴۸.

۶. جرفادقانی، تاریخ یمینی، ص ۳۶۱.

حمایت محمود از ابوالفوارس (۳۷۲-۳۷۹ ق.ه) حاکم کرمان در مقابل سلطان الدوله (۴۰۳-۴۱۵ ق.ه) و درگیری امرای بویه، این روند را دچار تغییر کرد.^۱

برای مثال، درگیری سلطان الدوله در جنوب عراق، اسباب تعطیلی اعزام کاروان حج را فراهم آورد.^۲ بر این اساس به نظر می‌رسد از سال ۴۲۴ ق.ه تا پایان دوره آل بویه، اعزام کاروان حج خراسان با دشواری بسیاری همراه بوده است و در برخی مواقع، سبب تعطیلی روند حج‌گزاری شده است.

در منابع دوره غزنوی، اشاراتی به سوء استفاده از مسئله حج برای دست‌اندازی به قلمرو آل بویه در مناطق مرکزی ایران مشاهده می‌شود.^۳ بر اساس گزارش منابع در پی توقف خراسانیان در اثر ناامنی متأثر از درگیری امرای بویهی عراق در سال‌های ۴۱۰ و ۴۱۱ ق.ه. عده‌ای از بزرگان خراسان ابراز نارضایتی نمودند و سلطان محمود را تهییج کردند نسبت به اعزام کاروان حج، تمهیدات لازم را فراهم نماید.^۴

در اواخر دوره محمود، جبال و ری تصرف گردید و در اصفهان به نام سلطان غزنه، خطبه خوانده شد.^۵ با دقت در پاسخ سلطان مسعود (۴۲۱-۴۳۲ ق.ه) به فرستاده خلیفه به نظر می‌رسد که محمود در اعزام پسرش به جبال، گشودن مسیر حج را بهانه نموده است.^۶ شاید به خاطر همین فشارها بود که فرستاده القائم بامر الله (۴۲۲-۴۶۷ ق.ه) خبر گشایش مسیر حج را به سلطان غزنه رساند. بیهقی در این باره می‌نویسد:

۱. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۲، ص ۱۴.
۲. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۱۴۳؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۲، ص ۶۱ و ۶۸.
۳. ر.ک: صادقی، «مسئله راه حج در مناسبات حکومت‌های شرق و غرب ایران (از غزنویان تا صفویه)»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ش ۷، ص ۱۰۸، ۱۱۰.
۴. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۴، ص ۳۸۳؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۲، ص ۴۳۹.
۵. نویسنده ناشناس، مجمل التواریخ و القصص، ص ۴۰۴؛ گردیزی، زین الاخبار، ص ۴۱۸.
۶. بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۲، ص ۴۴۳؛ سبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۵، ص ۳۱۹.

جوابی رسید که خلیفه آل‌بویه را فرمان داد از دار خلافت تا راه حج آباد

کردند و حوض‌ها راست کردند و مانعی نمانده است.^۱

غزنویان با تبلیغات خود تلاش می‌کردند، دیالمه را فاقد توان لازم برای برقراری امنیت راه حج معرفی کنند. در دیدار فرستاده القائم با سلطان مسعود (۴۲۱-۴۳۲ ه.ق.) در سال ۴۲۳ ه.ق. سلطان غزنه خواستار تلاش بیشتر امرای آل‌بویه در جهت حفاظت از حجاج شد و در این باره گفت:

راه حج را گشاده کنند که مردم ولایت را فرموده آمده است تا کار حج

راست کنند... و اگر در این باب جهدی نرود، ما جد فرماییم.^۲

مطالب بالا تا حدودی نشان از ناامنی عراق و ضعف امرای آل‌بویه دارند که بر روند

حج‌گزاری خراسانیان تأثیر منفی داشته است.

۲-۳. رقابت امیران شرق و غرب دنیای اسلام

کشمکش بر سر حرمین و استفاده سیاسی از حج به وسیله امیران شرق و غرب دنیای اسلام را می‌توان یکی دیگر از موارد تأثیرگذار بر جریان حج‌گزاری به شمار آورد. برای مثال در سال ۲۶۷ ه.ق. بین فرستادگان عمرولیث با نیروهای احمد ابن طولون (۲۵۴-۲۷۰ ه.ق.) که در پی کسب برتری در مکه و مدینه بود^۳ بر سر نصب پرچم در سمت راست منبر پیامبر ﷺ درگیری روی داد. طبری در این باره می‌نویسد:

هرکدام دعوی داشتند که ولایت از آن یار اوست. شمشیرها کشیده

شد...وابستگان هارون بن محمد... یاران عمرو بن لیث را کمک کردند و او

به جایی که می‌خواست ایستاد.^۴

۱. بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. همان، ص ۴۴۳.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۴۳.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۵۴۶ و ۶۶۰۶.

این رقابت‌ها در ادوار بعدی نیز وجود داشت. اقدامات عضدالدوله (۳۳۸-۳۷۲ ه.ق.) در حرمین در مقابل فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ه.ق.) نشان از تداوم درگیری‌ها دارد.^۱ بخشی از نامنی حج، مربوط به رقابت خلفای عباسی و فاطمی بود که پس از تصرف مصر به توسعه قلمرو خود در شام و حجاز پرداختند و حرمین شریفین را در دوره‌هایی زیر سلطه درآوردند. برای مثال در سال‌های ۳۶۳ و ۳۶۷ ه.ق. و در زمان حضور ناصر خسرو در مکه، حرمین در تصرف فاطمیان بود.^۲ در کنار این موارد، گاه شورش و نامنی در مکه و مدینه روی می‌داد. چنان‌که ابوالفتح حسن بن جعفر، حاکم مکه در سال ۴۰۱ ه.ق. شورش کرد و در نتیجه آن، حج تعطیل شد.^۳

سکوت منابع، امکان بررسی دقیق این وقایع و مشکلات آنها را میسر نمی‌سازد، اما واضح است که کاروان‌هایی مانند محمل خراسانیان در این وقایع، گرفتار رنج ناخواسته می‌شدند. درگیری‌ها به صورت مستقیم سبب از بین رفتن تأسیسات مختلف مانند پل‌ها، آبشخورها و غفلت در نگهداری این تأسیسات می‌شد^۴ و به صورت غیرمستقیم، رشد راهزنی را در پی داشت.

مشکلات حج‌گزاری در اشعار و ضرب‌المثل‌ها بازتاب یافته است. در ادبیات معاصر ضرب‌المثل‌هایی، چون حاجی حاجی را به مکه ببند^۵ و حاجی حاجی مکه که کنایه‌ای از دوری مسیر، طول مدت و مشکلاتی که در راه حاجیان را تهدید می‌نمودند به چشم می‌خورد.^۶ سنایی غزنوی (۴۵۹-۵۲۹ ه.ق.) ابیاتی در مدح فردی به نام احمد عارف زرگر از

۱. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۱.

۲. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ص ۱۴، ص ۲۴۳؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۵۹، ۱۰۸.

۳. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۷۸.

۴. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۳.

۵. دهخدا، امثال و حکم، ج ۲، ص ۶۸۶.

۶. درباره تأثیر حج بر ادبیات ر.ک: شجاعی، حج در آینه شعر فارسی، ص ۴۳.

اهالی بلخ دارد. این ابیات نشان‌دهنده موانعی هستند که سبب می‌گردید فرد با وجود تلاش، موفق به حضور به موقع در مراسم حج نگردد.^۱ در چنین شرایطی، راهی جز صبر تا رسیدن موسم حج سال آینده یا بازگشت به وطن وجود نداشت.

با توجه به مطالب بالا و سال‌شمارهای موجود در آثار نویسندگانی، مانند ابن اثیر و ابن جوزی به نظر می‌رسد، آرامش مسیرهای منتهی به مکه، تابعی از قدرت عباسیان و بعدها آل‌بویه بوده است. در ادوار ضعف عباسیان، مانند عصر سلطه ترکان و نیمه دوم حکومت آل‌بویه (۳۷۲-۴۴۷ ه.ق.) به دلیل کاهش اقتدار حاکمان در پی منازعات داخلی و ناتوانی امیران در ایجاد امنیت و سرکوب قبایلی که در راهزنی و بستن مسیر نقش داشتند، شاهد تکرار ناامنی‌هایی هستیم که تأثیری منفی بر روند حج‌گزاری داشتند.

۳. ناامنی متأثر از رقابت‌های عقیدتی و ظهور گروه‌های تندرو

یکی دیگر از عوامل ناامنی، ایجاد تنش‌های فرقه‌ای و ظهور گروه‌های تندرو بود که در گوشه و کنار دنیای اسلام با اقدامات خود در دوره‌هایی از تاریخ، مشکلاتی را پدید آوردند که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۳-۱. درگیری‌های فرقه‌ای در بغداد

اختلافات مذهبی در سده سوم و چهارم هجری، بخشی از حوادث عراق به ویژه در مرکز خلافت عباسیان بود که در مسیر کاروان حج خراسانیان قرار داشت، ولی در ایران به دلیل هم‌گرایی بیشتر ساکنان آن، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و سابقه دیرینه تمدنی، چندان فرصت ظهور نیافت. در دوره ضعف آل‌بویه، بارها آشوب‌های فرقه‌ای در بغداد اتفاق افتاد. برای مثال در سال ۳۶۳ ه.ق. بین حنابله و شیعیان محله کرخ درگیری روی داد^۲ و در سال ۳۶۹ ه.ق. محله کرخ به آتش کشیده شد.^۳

۱. سنایی، دیوان سنایی غزنوی، ص ۳۰۲-۳۰۳.

۲. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۴، ص ۲۲۷.

۳. ثعالبی، ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب، ج ۳، ص ۱۵۵.

این منازعات در اواخر دوره آل بویه از گسترش بیشتری برخوردار بودند، چنان که در سال ۴۲۴ ه.ق. شیعیان کرخ امکان رفت و آمد بدون سلاح را در شهر نداشتند.^۱ به دلیل سکوت منابع نمی‌توان به بررسی میزان تأثیر این درگیری‌ها بر جریان حج‌گزاری پرداخت، ولی به احتمال زیاد با توجه به وضعیت آشفته شهر در این مواقع، مشکلاتی برای حجاج در این شهر ایجاد می‌شد. حاکمانی، مانند عضدالدوله برای مقابله با تنش‌های مذهبی، فعالیت‌هایی انجام دادند که می‌توانست در بغداد از میزان مشکلات بکاهد و زمینه مناسب‌تری برای انجام فعالیت‌های مختلف به‌ویژه سفر حج فراهم نماید^۲ اما درگیری و ضعف جانشینان عضدالدوله، امکان مقابله با گروه‌های مختلف به‌ویژه گروه‌های فرقه‌ای را محدود کرد.

۲-۳. ناامنی متأثر از فعالیت قرامطه^۳

پذیرش اخبار موجود در آثار اواخر سده دوم و سوم هجری که آرای مساعدی درباره قرامطه به‌عنوان جریان مخالف خلافت عباسی ندارند، نشان می‌دهد اقدامات ایشان در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری، مشکلات فراوانی برای حجاج ایجاد کرده بود. در این دوران، قرامطه به رهبری زکریه (د. ۲۹۴ ه.ق.) در شام و ابوطاهر جنابی (۳۱۰-۳۳۲ ه.ق.) در احساء و بحرین به فعالیت‌های گسترده‌ای پرداختند. آنان جلوی بسیاری از کاروان‌های حج را می‌گرفتند و افزون بر غارت اموال، عده زیادی را به قتل می‌رساندند. برای نمونه در محرم ۲۹۴ ه.ق. زکریه به قافله در حال بازگشت خراسان حمله کرد و همراه با قتل و غارت، عده‌ای از زنان را به اسارت برد.^۴ این امر سبب توقف قافله‌های حج

۱. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۵، ۲۳۶.

۲. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۱.

۳. جهت اطلاع بیشتر از فعالیت قرامطه در مناطق مختلف جهان اسلام، ر.ک: زکار، الجامع فی اخبار القرامطه فی الاحساء، الشام، العراق، الیمن.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۷۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۷۶۳-۶۷۶۶؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۹، ص ۶۵-۶۶.

شد و به فرمان مکتفی (۲۸۹-۲۹۵ ه.ق.) پس از سرکوب قرامطه، سر زکریه را به خراسان فرستادند تا مردم را ترغیب به سفر حج کنند.^۱ در سه دهه اول سده چهارم هجری، حملات قرامطه به رهبری ابوطاهر پسر ابوسعید جنابی (۲۸۶-۳۰۱ ه.ق.) ادامه یافت. در سال‌های ۳۱۱ و ۳۱۲ ه.ق. قرامطه کاروان حجاج را غارت کردند، زنان را به اسارت بردند و عده‌ای را به قتل رساندند.^۲ میزان خسارت و تعداد کشته‌شدگان مشخص نیست، اما ناامنی متأثر از اقدامات ایشان سبب تعطیلی حج از مسیر عراق شد که حجاج خراسانی از آن مسیر، راهی مکه می‌شدند.^۳

با توجه به اطلاعات منابع به نظر می‌رسد، اوج این حملات در سال ۳۱۶ ه.ق. روی داده است. در این سال، ابوسعید برخلاف گذشته به صورت مستقیم به مراسم حج در مکه یورش برد و همراه با قتل و غارت، حجاراأسود را به هجر^۴ فرستاد. این اقدام، موجی از وحشت را در حجاز و مسیرهای حج ایجاد کرد.^۵ افزون بر آن، ضعف دستگاه خلافت در ایجاد امنیت لازم برای حجاج حرمین آشکارتر شد. نتیجه مستقیم این رویداد، تعطیلی سفر حج در سال آینده بود.^۶ البته در موارد معدودی، قرامطه با گرفتن باج و یا وساطت عده‌ای، مانند بزرگان علویان از کشتار حجاج خودداری می‌کردند.^۷ برای مثال در سال ۳۳۴ ه.ق. حجاج بدون مزاحمت به مکه رسیدند.^۸

۱. همان، ص ۶۸.

۲. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۵، ص ۱۸۴؛ نویسنده ناشناس، مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۷۲.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۶، ص ۶۹۰۴؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۵، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۹، ص ۱۹۳.

۴. در مورد این واژه، منابع جغرافیا نگاری توافق ندارند. برخی آن را بحرین و قصبه آن را احساء می‌دانند (مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، ص ۱۰۴).

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۶، ص ۶۹۲۱-۶۹۲۲؛ ابن عربی، محاضرة الابرار و مسامرة الاخيار، ج ۱، ص ۸۴.

۶. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۷۱.

۷. همان، ص ۵۱۲؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۵، ص ۴۳۵.

۸. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۴، ص ۱۰۸.

به هر حال با قدرت یابی آل بویه و با اقدامات تعدادی از حاکمان این سلسله، حملات قرامطه به مرور کاهش یافت، اما از معدود اخبار موجود می توان نتیجه گرفت که حملات قرامطه به رقب خراسان در ادوار بعدی تداوم یافته است.^۱ تعقیب قرامطه به وسیله سلطان محمود غزنوی در مناطق شرقی و بعدها جبال روی داد ولی به نظر می رسد از قدرت ایشان در مناطق زیر سلطه غزنویان کاسته شده بود.^۲ عنصری بلخی درباره برخورد سلطان غزنه با قرامطه می سراید:

فرو ستردی از دین نشان بدعت را زکعبه هم رقم قرمطی فرو ستردی.^۳

۳-۳. ضعف حاکمان و گسترش راهزنی

رواج راهزنی به دلایل مختلف و ناتوانی حاکمان در سرکوب آنها، مؤلفه‌هایی تأثیرگذار بر روند حج‌گزاری خراسانیان به شمار می‌روند. به گفته طبری، گاهی کسانی که از دست گروه‌هایی، مانند قرمطیان جان به در می‌بردند به دست بدویان و راهزنان می‌افتادند و هرچه نهان کرده بودند به غارت می‌رفت و حتی عده‌ای از مشکلات بعدی، مانند تشنگی و گرسنگی جان می‌باختند.^۴ خطر راهزنان در برخی دوره‌ها، چنان گسترده بود که در منابع ادبی و نوشته‌های طنز تأثیر نهاد.^۵

با توجه به مسیری طولانی که قافله‌های ماوراءالنهر و خراسان در داخل فلات ایران و خارج از آن می‌پیمودند، با خطرات بیشتری روبه‌رو می‌شدند. بر اساس اخبار منابع در برخی مناطق خراسان، مانند سرخس و طوس و هم‌چنین در جبال به‌ویژه در ری، راهزنی روی می‌داد.^۶ به همین دلیل، گاهی مسافران به اجبار مسیرهای امن‌تر را در پیش می‌گرفتند.

۱. ذهبی، دول الاسلام، ج ۲، ص ۵۶.

۲. بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. عنصری، دیوان عنصری بلخی، ص ۳۰۷.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۶، ص ۶۹۰۵.

۵. ابن جوزی، اخبار الطراف و المتماجنین، ص ۱۱۲.

۶. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة اقالیم، ج ۲، ص ۴۵۶ و ۴۶۷ و ۵۸۳؛ قفص یا قفس از طوایف

ساکن در حاشیه جنوبی و جنوب غربی کویر مرکزی ایران بوده‌اند (همان، ص ۷۱۷).

با توجه به این که جبال به‌ویژه ری در مسیر اصلی شاه‌راه شرق و غرب واقع بود آشفته‌گی آن، مشکلات بیشتری را برای قافله‌ها ایجاد می‌کرد. در سایر مناطق فلات ایران مانند کرمان، قُصص‌ها در ناامنی راه‌ها تأثیرگذار بودند.^۱ در مناطق غربی، حسنویه از کاروان‌ها باج‌گیری می‌کرد.^۲ با توجه به اطلاعات منابع می‌توان ظهور پدیده راهزنی را تابعی از قدرت حکومت‌ها به شمار آورد. در ایام منازعات و دوره ضعف حاکمان خطر راهزنان افزایش می‌یافت، ولی در ادوار همراه با آرامش و در حضور امیران نیرومند که اقداماتی جهت ایجاد امنیت انجام می‌دادند، خطرات کاهش می‌یافت.^۳

حجاج در مسیرهای خارج از فلات ایران به ویژه در عراق و مسیر حجاز با مشکلات بسیار بیشتری در ارتباط با قبایل عربی که به چپاول و راهزنی می‌پرداختند، روبه‌رو بودند که این مسئله بی‌ارتباط با ضعف دستگاه خلافت عباسی و آشفته‌گی اوضاع نبود. در منابع ادوار مختلف، به ویژه در سال‌شمارهای ابن جوزی و ابن اثیر، بارها راهزنی گزارش شده است. قبیله عرب خفاجه^۴ یکی از قبایلی است که بارها در موضوع راهزنی و به ویژه راهزنی در مسیر حج از آنان یاد شده است. آنان در مناطق بین بغداد و بصره ساکن بودند و از روش‌هایی، مانند خشکاندن آب چاه‌ها برای تسلیم شدن کاروانیان سود می‌بردند و به قتل و غارت اموال می‌پرداختند.^۵

۱. همان، ص ۷۱۸.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۱۵؛ یکی از حکام سلسله محلی بنی حسنویه در غرب ایران.

۳. الروزراوری، ذیل کتاب تجارب الامم، ص ۵۷؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۷۱۸.

۴. آل خلیفه در کتاب خود، سیر تاریخی حملات خفاجه و ناامنی راه‌ها را بررسی کرده است (آل خلیفه، امراء الکوفه و حکام‌ها، ص ۷۰۸-۷۳۶).

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۵۶۰؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۹۰-۹۱؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۳۴۳.

انجام چنین کارهایی، صدمات بیشتری در پی داشت و به تأسیسات آبرسانی خساراتی جدی وارد می‌کرد. در منابع به خطرات فعالیت ایشان در سال‌های ۴۰۲ و ۴۰۳ ه.ق. اشاره شده است.^۱ امیران آل بویه، بارها به تنبیه خفاجه اقدام کردند، ولی شرارت ایشان تداوم یافت. ادامه راهزنی این قبیله در سال ۴۲۶ ه.ق. سبب توقف اعزام کاروان حج عراق گردید. با توجه به این که خراسانیان همراه کاروان یاد شده از این مسیر راهی حج می‌شدند به احتمال قریب به یقین، این امر سبب مشکلات فراوانی برای ایشان شده بود و مدت بیشتری از وقت حجاج در بلا تکلیفی سپری می‌شد.^۲

قبیله طی در شمار قبایلی بود که گاهی به غارت کاروان‌های حج اقدام می‌کردند. صالح بن مدرک طائی در سال ۲۸۵ ه.ق. با غارت کاروان حج، عده‌ای را به قتل رساند.^۳ حملات ایشان در سال‌های آینده تداوم یافت. چنان‌که در سال ۳۷۲ ه.ق. به تعطیلی کاروان حج عراق انجامید. گاهی حملات آنها سبب تأخیر می‌شد و حجاج به موقع در مکه حضور نمی‌یافتند.^۴ در سال‌های ۳۹۳ و ۳۹۹ ه.ق. ایشان جلو کاروان حج را گرفتند و مبالغی دریافت کردند.^۵ در مواردی رؤسای قبایل از گرفتن باج و غارت به دلایل نامعلومی خودداری می‌کردند.^۶ با این وجود، راهزنی‌ها در سده پنجم و ششم هجری هم‌چنان تداوم یافت.^۷

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۴۳-۴۰۰.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۱۵۳.

۳. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۵۵؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۶۹۲.

۴. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۲۷۷، ۲۹۰، ۳۳۷.

۵. همان، ص ۶۷-۶۸.

۶. ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۸۳.

۷. ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۵۹؛ ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵،

ص ۲۰، ۱۰۱.

قبیله بنی سلیم در سال ۳۵۵ ه.ق. به راهزنی و بستن مسیر کاروان حج اقدام کردند.^۱ یکی دیگر از این قبایل، بنی هلال بود که در سال ۳۶۱ یا ۳۶۳ ه.ق. به این کار پرداختند.^۲ هم‌چنین، بنی شیبان از قبایلی بود که بارها در چپاول کاروان‌ها شرکت داشتند.^۳ در چنین شرایطی، گاهی حجاج به دلیل خستگی و مشکلاتی که در مسیر با آن روبه‌رو می‌شدند از پذیرش دستور تغییر مسیر خودداری می‌کردند. نتیجه این کار، عدم یاری نیروهای حکومت و غارت کاروان‌ها بود^۴ که افزون بر غارت اموال و چهارپایان، ربنوده شدن زنان و کودکان بارها گزارش شده است.^۵

در پی این حملات، حجاج چاره‌ای جز بازگشت و یا ادامه مسیر نداشتند که هر دو گزینه با مشکلات و سختی‌هایی همراه بود. با این حال، رسیدن به موقع کاروان و شرکت در مراسم حج به عنوان مهم‌ترین دغدغه حجاج، همیشه میسر نمی‌شد^۶ و بارها سفر حج از خراسان و عراق به سبب راهزنی قبایل عرب به‌ویژه در سه دهه اول قرن پنجم هجری تعطیل شد.^۷

در برخی ایام، حملات قبایل در حجاز و حتی در مکه و مدینه روی می‌داد. تعدادی از قبایل ساکن حجاز، راه کاروانیان را سد می‌نمودند و به بهانه‌های مختلف، وجوهی به عنوان حق راه از ایشان اخذ می‌کردند.^۸ هم‌چنین، گاهی بین قبایل مختلف و حتی ساکنان

۱. همان، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۲۱۰.

۳. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۷۰، ۴۷۱.

۴. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۹، ص ۶۶، ۶۷.

۵. همان، ص ۱۴۱.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۶۰.

۷. همان، ج ۲۲، ص ۱۳۷؛ ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۲۲۹.

۸. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۰۵.

حرمین، درگیری‌هایی روی می‌داد و مشکلاتی برای حجاج پدید می‌آورد.^۱ این سختی‌ها با انجام حج به پایان نمی‌رسید و در مسیر بازگشت، دشواری‌های مسیر رفت به ویژه حملات اعراب تکرار می‌شد.^۲

برخی امیران برای ایجاد امنیت در مسیر عراق و حجاز و سرکوب اعرابی که کاروان‌های تجاری و حج را مورد تعرض قرار می‌دادند، اقداماتی انجام دادند. برای مثال، عضدالدوله به سرکوب دو قبیله بنی عقیل و بنی شیبان پرداخت که بارها مشکلاتی برای حجاج ایجاد کرده بودند.^۳

هم‌چنین، در کنار تنبیه، تطمیع رؤسای قبایل به‌عنوان سیاستی تأثیرگذار از سوی برخی امیران و حاکمان پی‌گیری می‌شد. بدر بن حسویه در سال ۳۸۵ ه.ق. با پرداخت هفتصد هزار دینار، قراردادی با اصیفر منتفقی جهت حفظ امنیت و عدم تعرض به کاروان حج بست که تا سال ۴۰۳ ه.ق. تداوم یافت و سبب افزایش منزلت وی گردید.^۴ این راهکار از سوی برخی حاکمان مناطق شرقی، مانند غزنویان مورد استفاده قرار گرفت و با پرداخت مبالغی، امنیت کاروان‌های خراسان را تأمین کردند.

برای مثال، پس از سال ۴۱۱ ه.ق. که کاروان حج خراسانیان برای مدتی تعطیل شده بود، سلطان محمود غزنوی مبلغ سی هزار دینار برای پرداخت به اعراب، در اختیار ابی محمد ناصی قاضی‌القضات قرار داد. اعراب منطقه فید، حاضر به پذیرش مبلغ پیشنهادی نشدند و اگر رئیس ایشان در ابتدای درگیری کشته نمی‌شد، شاید کاروان خراسان را غارت می‌کردند.^۵ با این حال در برخی مواقع، رؤسای قبایل با دریافت مبلغی، حراست از

۱. یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۵۴۲.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۶، ص ۶۹۰۵.

۳. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۷۰؛ الروزراوری، همان، ص ۵۴، ۵۷.

۴. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۴۰۷؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۲۵۷.

۵. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۲، ص ۴۳-۴۴.

کاروان‌ها را عهده‌دار می‌شدند. در سال ۳۸۲ ه.ق. رئیس قبیله بنی‌تغلب با دریافت وجوهی به این امر پرداخت، ولی در سال بعد به بهانه تقلبی بودن سکه‌ها، جلوی حجاج عراق را گرفت که خراسانیان هم در این کاروان بودند و موفق به انجام حج نشدند.^۱

وجود چنین مشکلاتی سبب شد در منابع فقهی و احکام مربوط به حج، بخشی را به وظایف و حدود اختیارات امیر الحجاج و لزوم مقابله با خطر راهزنان و دزدان و رفع آن اختصاص دهند.^۲ در منابع در این باره آمده است:

اگر کسی بخواهد مانع راهشان شود، او را دور کند و اگر کسی بخواهد راه حج بر ایشان ببندد او را از ایشان براند، چه به جنگ اگر در توانش باشد و چه به بخشش آنچه حاجیان برای دفع این مانع در اختیارش گذارند.^۳

چنین احکامی نشان‌دهنده گسترده‌گی راهزنی در این دوره است که فقها را وادار می‌کرد جهت حفظ جان کاروانیان، حتی دادن باج به راهزنان را در زمان سختی جایز شمارند.

۴. سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار

۴-۱. مشکلات متأثر از تغییر مسیر

مسیر حجاج خراسان به عراق و بغداد با اندکی تغییر، به طور معمول راه‌های دوره باستان بود.^۴ در کتاب طبقات الشافعیه، بارها به علمای خراسان بزرگ و شرق که از مسیر عراق و بغداد راهی حجاز می‌شدند، اشاره شده است.^۵ هم‌چنین در دیوان شریف رضی (د. ۴۰۶ ق.)

۱. ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۵۵-۳۵۶.

۲. ابی یعلی، الاحکام السلطانیة، ص ۱۱۴-۱۰۸؛ ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۲۲۶.

۳. همان؛ ابی یعلی، الاحکام السلطانیة، ص ۵۷-۵۹.

۴. ابن فضلان، سفرنامه ابن فضلان، ص ۶۱-۶۶.

۵. سبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۴، ص ۱۵۶؛ ج ۵، ص ۱۱۵.

درباره حضور خراسانیان در بغداد برای عزیمت به حجاز، سخن به میان آمده است.^۱ در داخل ایران، بیشترین رفت و آمد در چند مسیر فرعی و در عراق از دو مسیر کوفه و بصره به سمت حجاز انجام می‌شد. بیشتر کاروان‌های حج برای رسیدن به مکه از این دو مسیر، به ویژه مسیر کوفه استفاده می‌نمودند.

یکی از پی‌آمدهای ناامنی، تغییر مسیر کاروان‌های حج و استفاده از راه‌های غیرمعمول بود. در شرایط بحرانی، مسیر شام و در موارد نادری، مسیر دریایی مهم‌ترین گزینه به شمار می‌رفت. با بررسی منابع می‌توان نمونه‌هایی از تغییر مسیر را مشاهده کرد. این امر، بیشتر در زمان ظهور قرامطه و پیدایش ناامنی‌ها در مسیرهای جنوبی عراق به سمت حجاز روی داده است.^۲ در موارد بسیار نادری، بنادر جنوبی مانند سیراف و هرمز به عنوان نقطه شروع سفر دریایی به حجاز انتخاب می‌شدند. برای مثال در سال ۴۱۹ ه.ق. به دلیل نابودی محصولات کشاورزی عراق، حجاج خراسانی از راه کرمان و مسیر دریایی به جده عزیمت کردند.^۳

مسیرهای دشوار دیگر به ندرت مورد استفاده قرار می‌گرفت که گاه از سرزمین‌های غیرمسلمانان مانند ارمنستان، خلاط و آنی می‌گذشت و مشکلات بیشتری به همراه داشت.^۴ هم‌چنین، گاه به دلیل خطر غارت بادیه‌نشینان با کاروان شام هم‌سفر می‌شدند که موجب دوری مسیر می‌گردید.^۵ برای نمونه در سال ۴۴۰ ه.ق، مردم خراسان از راه شام و

۱. شریف الرضی، دیوان الشریف الرضی، ج ۲، ص ۳۶.

۲. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۳، ص ۲۵۶؛ ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۰۶.

۳. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۲، ص ۸۴.

۴. همان، ص ۱۵۸.

۵. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ ابن فلانسی، ذیل تاریخ دمشق، ص ۱۲۵.

مصر و با کشتی به مدینه رسیدند و پس از پایان مراسم حج، از راه شام بازگشتند.^۱ با بررسی اخبار موجود به نظر می‌رسد که مشکلات و دشواری این مسیرها، بسیار بیشتر از آن بوده است که در منابع منعکس شده است. عدم وجود آبادی در مسیرهای غیر متعارف، خطر گرسنگی و بی‌آبی را تشدید می‌نمود. در چنین مسیرهایی، تأمین امنیت کار دشوارتری بود و در صورت غارت، مشکلات بیشتری را پدید می‌آورد.

۴-۲. افزایش عوارض

چنان‌که اشاره شد از سده سوم به تدریج، سلسله‌هایی در شرق و غرب دنیای اسلام سر برآوردند که حجاج ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، مجبور به عبور از قلمرو ایشان بودند. ساکنان مناطق شرقی و خراسان زیر سلطه سامانیان یا غزنویان مجبور بودند بخشی از مسیر را در قلمرو آل بویه و حتی فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ه.ق.) طی نمایند و در برخی دوره‌ها مجبور به پرداخت عوارض می‌شدند. وجود برخی اخبار درباره عوارض غیرضروری، نشان دهنده آن است که علاوه بر مسیرها، گاهی در مکه هم عوارضی دریافت می‌شد.

برای مثال در دوره مقتدر (۲۹۵-۳۲۰ ه.ق.) و مستنجد (۵۵۵-۵۶۶ ه.ق.) باج راه‌داری لغو شد^۲، اما گاهی مأموران دولتی و راه‌داران به شکل بسیار زشتی متعرض حجاج می‌شدند و به تفتیش ااث آنها می‌پرداختند.^۳ چنین اعمالی سبب می‌شد برخی امیران مانند عضد الدوله، اقداماتی برای جلوگیری از زورگویی مأموران انجام دهند و مالیات را از کاروان‌های حج بردارند.^۴ البته به نظر می‌رسد این اقدامات با وضعیت مالی حکومت‌ها ارتباط تنگاتنگی داشته است و در مواردی که وضعیت مالی ایشان آشفته بود، عوارض برقرار می‌شد.

۱. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۰۶.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۹، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ ج ۲۷، ص ۷۴.

۳. ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ص ۹۶.

۴. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۱.

در دوره استیلای فاطمیان بر حجاز، مَکوس یا هلالی^۱ که از مالیات‌های رایج در مصر بود از قافله‌های حج دریافت می‌شد که نوعی ستم به شمار می‌رفت.^۱ اخباری مبنی بر اخذ این نوع از مالیات در حرمین در دوره معتضد (۲۷۹-۲۸۹ ه.ق.) وجود دارد.^۲ دریافت این مبالغ، چندان مانعی برای حضور حجاج در مکه ایجاد نمی‌کرد و بیشتر مسافران از ثروت و مکنت برخوردار بودند. با این حال، این امر برای افرادی که در مسیر غارت می‌شدند و خود را به مکه می‌رساندند، خالی از اشکال نبود.

۳-۴. بلایای طبیعی

بلایای طبیعی را می‌توان از مصادیق ناامنی به شمار آورد که بر زندگی انسان‌ها اثرگذار بوده است. بلایای طبیعی مانند قحطی، سیل، سرمای شدید و شیوع بیماری‌های مسری سبب توقف حج می‌شد. در لابه‌لای منابع تاریخی به بلایایی که گاه در ارتباط با حج بوده‌اند، اشاره شده است. در برخی موارد، مانند سال ۴۴۸ ه.ق. این بلایا شکل گسترده و فراگیر داشته است و گاه محدود به یک ناحیه بوده است.^۳ در سال ۴۰۱ ه.ق. قحطی بزرگی در خراسان به ویژه در نیشابور روی داد، در باره این قحطی در منابع آمده است:

دندان‌های در صف از تف حرقت باطن زرد شد و دهن‌های خوش بوی از
تاب شعله گرسنگی دود خلوف به آسمان رسانید و جان‌ها از وحشت منازل
اجسام روی به مرکز خویش نهاد و دانه گندم به قیمت از دانه مروارید
درگذشت... و هزاران نفر جان خود را از دست دادند.^۴

۱. فلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۳، ص ۵۳۱؛ مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزیه، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۷.
۲. ابن عربی، محاضرة الابرار و مسامرة الاخيار، ج ۱، ص ۸۳.
۳. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، ج ۱۶، ص ۵.
۴. جرفادقانی، تاریخ یمینی، ص ۳۱۴-۳۱۵.

هم‌چنین در نواحی جبال و دیلم که مسیر شرق به غرب بود، بارها از وقوع قحطی سخن رفته است.^۱ پی‌آمد قحطی، گرانی شدیدی بود که یک من سیوس را به دانگی زر می‌خریدند.^۲ گاهی قحطی در عراق که مسیر کاروان‌های شرق از آن می‌گذشت، روی می‌داد. در سال‌های ۴۰۲ و ۴۱۸ ه.ق. بر اثر تگرگ، غلات عراق نابود شدند و چیزی از آنها باقی نماند.^۳ گاهی سرما محصولات را به تباهی می‌کشاند. در سال‌های ۴۱۷ و ۴۱۹ ه.ق. محصولات کشاورزی، مانند خرما در عراق به سبب سرما معدوم شدند و این امر موجب توقف حج گردید.^۴

کمبود بارش، خشک‌سالی و آفاتی مانند هجوم ملخ سبب اختلال در تولید می‌شدند و در نتیجه، قحطی و ناامنی بر روند حج تأثیر منفی می‌نهاد. کمبود آذوقه در مسیرها، گاه چنان شدید بود که به گفته طبری در سال ۳۱۹ ه.ق. حجاج نزدیک بود، هم‌دیگر را بخورند.^۵ قحطی بین سال‌های ۳۲۳ تا ۳۳۱ ه.ق. در بغداد، همراه با شیوع بیماری بود.^۶ هم‌چنین، وقوع قحطی در حجاز که به صورت طبیعی فاقد کشاورزی بود، گزارش شده است که به احتمال زیاد بر روند حج‌گزاری تأثیر منفی داشته است.

خشک‌سالی و کمبود آب در مسیر یا آسیب به تأسیسات آب‌رسانی یکی از مهم‌ترین مشکلات کاروان‌های حج در بیشتر مقاطع تاریخی به‌ویژه در فلات ایران و حجاز به شمار می‌رفت و گاهی سبب مرگ عده‌ی زیادی می‌شد. در کنار آن خشک‌سالی و کم‌آبی سبب افزایش قیمت آب آشامیدنی می‌گردید.^۷ با آن که اقداماتی جهت احداث چشمه، حفر چاه و

۱. همان، ص ۲۲۸؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۳۷۳.

۲. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۵؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۲، ص ۱۳۷.

۳. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۲، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۷۰، ۷۷، ۸۴.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۶، ص ۶۹۴۳.

۶. دوری، بغداد، ص ۲۷.

۷. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۸۵.

آبشخور چارپایان به وسیله برخی، مانند عضد الدوله انجام می‌شد، ولی مشکل کم‌آبی پیوسته وجود داشته است.^۱ گاهی مشکل کم‌آبی در نتیجه عوامل غیرطبیعی روی می‌داد. برای مثال، درگیری‌های حاکمان و آشوب‌ها سبب غفلت از نگهداری تأسیسات آبرسانی می‌شد. در برخی مواقع، حاکمان یا قبایل مسیر اقدام به تخریب تأسیسات آبرسانی می‌کردند. برای مثال در سال ۲۶۸ ه.ق. حاکم جده آب محل را فاسد نمود و در سال ۲۹۳ ه.ق. قرامطه آب را با انداختن مردار آلوده کردند و برخی چاه‌ها را پر نمودند.^۲ هم‌چنین، گاهی قبایل عرب جهت ایجاد مشکل برای کاروان‌ها و وادار نمودن ایشان به تسلیم و واگذاری اموال، منابع آب را از بین می‌بردند. در سال ۳۵۷ ه.ق. بسیاری از حجاج خراسانی به علت بی‌آبی و تشنگی جان باختند.^۳

مشکل بی‌آبی چنان اهمیت داشت که در منابع ادبی این دوره اثر نهاد. ماء طریق الحج به عنوان ماده‌ای حیاتی که آن را می‌نوشتند و زبان به بدگویی می‌گشایند و هر چیز نکوهیده را به آب مسیر حج تشبیه کردن در برخی اشعار مشاهده می‌شود.^۴ پی‌آمد این امر به صورت مستقیم، ایجاد مشکلاتی برای حجاج و به صورت غیرمستقیم، رشد و شیوع بیماری‌های مسری، مانند وبا در برخی مناطق بوده است.^۵ به خاطر این مشکلات و اهمیت تأمین آب، فقها بخشی از وظایف امیرالحاج را تهیه آب می‌دانستند.^۶

۱. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۱.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۸، ص ۲۱۴؛ ج ۱۹، ص ۶۰، ۶۶.

۳. ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

۴. ثعالی، ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب، ص ۴۸۲؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۷۹.

۵. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۳۷۳؛ ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۳۰۸، ۴۲۹.

۶. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۲۲۶.

سیل و طغیان برخی رودها از دیگر عوامل منفی تأثیرگذار بر حرکت کاروان‌های حج به شمار می‌رود که وقوع آن در سال‌های مختلف گزارش شده است. سیل علاوه بر نابودی محصولات کشاورزی، پل‌ها و بندها را تخریب می‌کرد و به راه‌ها آسیب وارد می‌نمود.^۱ این امر، افزون بر کندی حرکت و تغییر مسیر، تعطیلی حج از مسیر عراق را در پی داشت که محمل خراسانیان از آن استفاده می‌کردند. در سال ۴۰۱ ه.ق. آب دجله بالا آمد و موجب آسیب به زمین‌های کشاورزی و آب‌گرفتگی برخی مناطق شد.^۲ سیل و بی‌توجهی برخی حاکمان، نسبت به تعمیر و نگهداری تأسیساتی، مانند پل‌ها در برخی دوره‌ها بر روند اعزام کاروان‌ها تأثیر منفی داشته است.^۳ هم‌چنین، سیل در مکه و مدینه روی می‌داد و ناصر خسرو از سیلی در محل جحفه گزارش می‌دهد که سبب مرگ عده‌ای گردید.^۴

۵. نتیجه

امنیت در جریان حج‌گزاری مسلمانان شرق عالم اسلام به‌ویژه خراسان بزرگ، نقشی اساسی ایفا می‌کرد و بر هم خوردن آن، مشکلاتی را به همراه داشت. در میان مؤلفه‌های متعدد مؤثر بر ایجاد ناامنی، درگیری داخلی مدعیان قدرت و درگیری حاکمان و ضعف متأثر از آن، نقشی عمده و محوری داشت و سایر عوامل تحت تأثیر آن، شکل می‌گرفتند. رقابت امیران شرق بر سر گسترش قلمرو در کنار رقابت جهت رسیدن به قدرت، دوره‌ای از

۱. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۳.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۲۱، ص ۲۳۵/۲۳۴.

۳. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۸۳.

۴. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۰۴.

جنگ، شورش و در نتیجه ناامنی را در پی داشت. اشتغال امیران به جنگ‌های داخلی و خارجی، امکان احداث و رسیدگی به تأسیسات بین راهی را محدود می‌کرد. از سوی دیگر، درگیری‌های فرقه‌ای در بغداد در کنار ظهور گروه‌های تندرو، مانند قرامطه سبب ناامنی راه‌های منتهی به حرمین می‌شد بر مشکلات می‌افزود. افزون بر آن، گسترش راهزنی به‌ویژه از سوی قبایل منطقه به‌عنوان سنتی ریشه‌دار در ادوار ضعف امیران عراق، شیوع بسیاری یافت که این روند با ناامنی متأثر از بلایای طبیعی در برخی دوره‌ها تشدید می‌شد و سبب تعطیلی ركب الخراسان می‌گردید.

منابع

۱. آل خلیفه، محمدعلی، امراء الکوفه و حکامها، تصحیح یاسین صلواتی، تهران: مؤسسه الصادق، ۱۴۲۵ ه.ق.
۲. ابن اثیر، محمد بن علی، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۳. ابن اسفندیار، محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶.
۴. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲ م.
۵. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، اخبار الطراف و المتماجنین، تصحیح عبد الأمير مهنا، بیروت: دار الفکر اللبنانی، ۱۹۹۰ م.
۶. ابن جبیر، محمد بن احمد، سفرنامه ابن جبیر، تصحیح ویلیام رایت، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۷. ابن عربی، محی‌الدین، محاضرة الابرار و مسامرة الاخيار، تصحیح محمد عبدالکریم النمری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۱ م.
۸. ابن فضلان، احمد بن العباس بن راشد بن حماد، سفرنامه ابن فضلان، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، چاپ دوم، تهران: شرق، ۲۵۳۲.
۹. ابن قلانسی، حمزه بن اسد، ذیل تاریخ دمشق، بیروت: الآباء الیسوعین، ۱۹۰۸ م.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، بیروت: احیاء التراث العربی مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۱. ابن مسکویه، احمد بن علی، تجارب الامم، ابوالقاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران: سروش و توس، ۱۳۶۹.
۱۲. ابی یعلی، محمد بن الحسین الفراء، الاحکام السلطانیة، تصحیح محمد حامد الفقیهی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۰ م.
۱۳. احمدی قورتولمش، ابراهیم، «مسیرهای آسیایی حج جلوه‌های تاریخی و جغرافیایی»، فصلنامه میقات حج، ۱۳۹۴، شماره ۹۴.

۱۴. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، تصحیح خلیل خطیب رهبر، چاپ چهارم، تهران: مهتاب، ۱۳۷۴.
۱۵. تنوخی، ابو علی محسن بن علی، فرج بعد از شدت، ترجمه حسین بن اسعد دهستانی، تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۵.
۱۶. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد، ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب، رضا انزابی نژاد، مشهد: بی نا، ۱۳۷۶.
۱۷. جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح، تاریخ یمینی، تصحیح جعفر شعار، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۸. جعفریان، رسول، «احکام و فرمان‌های حج در زمان ایلخانان»، میقات حج، ۱۳۷۸، شماره ۲۹.
۱۹. دوری، عبدالعزیز، بغداد، اسماعیل دولتشاهی-ایرج پروشانی، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. دوغان، اسراء، تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، تهران: مشعر، ۱۳۸۹.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد، دول الاسلام، تحقیق حسن اسماعیل مروه، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۲۳. الروزراوری، ابی شجاع محمد بن الحسین، ذیل کتاب تجارب الامم، قاهره: دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
۲۴. سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمد الحلو، بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیه، بی تا.
۲۵. السلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین، طبقات الصوفیه، تصحیح مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ه.ق.
۲۶. السمعانی، ابو سعد عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی، الانساب، تصحیح عبدالرحمن معلمی، حیدرآباد: دایرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ه.ق.
۲۷. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، دیوان سنایی غزنوی، مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نگاه، بی تا.
۲۸. زکار، سهیل، الجامع فی اخبار القرامطه فی الاحساء، الشام، العراق، الیمن، دمشق: دارحسان، ۱۹۸۷ م.
۲۹. شجاعی، محمد، حج در آینه شعر فارسی، تهران: مشعر، ۱۳۸۸.
۳۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، دیوان الشریف الرضی، بیروت: دارالجیل، ۱۹۹۵ م.

۳۱. صادقی، مقصود علی، «مسئله راه حج در مناسبات حکومت‌های شرق و غرب ایران (از غزنویان تا صفویه)»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۱۳۹۳، شماره ۷.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
۳۳. عنصری بلخی، دیوان عنصری بلخی، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳.
۳۴. غفرانی، علی؛ نوروزی، زهرا؛ پژگری، زهرا، «موانع و مشکلات سفر حج ایرانیان در روزگار سلجوقی»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۲۲.
۳۵. قلقشندی، احمد بن عبدالله، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، تصحیح محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۳۶. گردیزی، ابی سعد عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۳۷. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
۳۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۳۹. مقدسی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، علی‌نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
۴۰. مقریزی، احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروفة بالخطط المقریزیه، حواشی خلیل المنصور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
۴۱. موحدی نیا، عباس، مراسم حج در دوره اول عباسیان، به راهنمایی سید حسین فلاح زاده، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۰.
۴۲. موسوی مقدم، مهناز؛ ناظمیان فرد، علی؛ سرافرازی، عباس، «امرای سادات حج در دوره بویهیان»، پژوهشنامه حج و زیارت، ۱۳۹۶، شماره چهارم.
۴۳. ناصر خسرو، ابو معین حارث قبادیانی بلخی، سفرنامه ناصر خسرو، تصحیح محمد دبیر سیاقی، چاپ چهارم، تهران: زوار، ۱۳۷۰.
۴۴. نرشخی، ابی بکر محمد، تاریخ بخارا، مدرس رضوی، تهران: توس، ۱۳۶۳.
۴۵. نویسنده ناشناس، مجمل التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعرا بهار و بهجت رضانی، تهران: کلاله خاور، بی‌تا.
۴۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.